

حقوق تجارت ۳

گردآورنده: محمد امین شریفی

استاد: دکتر سلیمیان

حقوق اسناد تجاری (برات، سفته و چک)

کتاب: دکترا اسکندر، دکترا صفوی و دکترا کاروانیان

سیستم: مجموعه مرتبط با بلیت بزرگ در رسیدن به هدف تعیین، هر چنان کار ویژه‌ای خود را دارد و

مجموعه توان بخش‌های مرتبط و مختلف در قالب الگوی سازمانی به تنظیم هر انجامد.

اصول کلی حقوق تجارت مدرن: سرعت

سهولت

تخصیص (امنیت)

نسبت حقوق تجارت با حقوق مدنی:

یا باید نسبت تجارت با مدنی خاص باشد که این صعب است زیرا تخصیص اکثر لازم می آید و یا

اینکه بگوئیم در ساختار جدا از هم می باشد

سیستم حقوقی، نظام حقوقی:

در مقابل سیستم حقوقی نظام حقوقی وجود دارد (در نظام حقوق مالسیری معاملات داریم) خرد وجه این

نظام حقوقی تجاری این است که هر کس خود باید بلیت مشکلات خود را بماند یعنی دعوی جنبه خصوصی

دارند مثل اینکه یک چک و کسب بخواهد در صورت وجود شائبه خصوصی قابل بلیت است و حال اینکه

دعوی جنبه عمومی دارند زیرا تجارت بزرگ ممکن است با این حکم خرد و ضررش کرده باشند.

جایگاه تجارت:

تولید صنعتی یعنی تولید انبوه پس تولید انبوه است. مصرف کننده هم انباشته است پس وقتی

تولید انبوه بود و مصرف زیاد باید چیزی بسخ این رو باشد تا این دورا به هم برسانند و آن

تولید انبوه (تجارت) مصرف و انباشت

حال اگر مصرف کننده مصرف کننده در داخل باشد ما سیستم تجاری خواهیم داشت و اگر مصرف کننده

خارج باشد ما سیستم بزرگ سیستم تجاری خواهیم داشت.

اعتبار:

اعتبار یعنی جا بجا کردن اسناد خاص به جای وجه نقد به طوری که کارکرد وجه نقد را داشته باشد.

یعنی اصلیمان از نقد شدن آن به صورت سفته تأمین شده باشد.

در سیستم اعتبار یک ما به ازای غیر نقدی (کالا) دارد.

1 اسناد اعتباری :

2 دارای سه سند اصلی است (برات ، سفته و چک) بین اینها دین و تعهدی که در حقوق مدنی لغت می شود
3 نیستند یعنی حتی تقدم شوند

4 این اسناد اعتباری درون سیستم تأمین شده است بنا بر این به مثابه سند در معاملات توجیه

5 یعنی مورد (مثلاً سند یعنی امری که حکم را کرده) به تعهد دیگر اسناد اعتباری (۱) یا بکنار تعهد مثلاً اند

6 (۲) ایجاد کننده تعهد برای تعهد است پس فقط به تعهد برات توجیه می شود

7 دو نظریه موجود در ایران در مورد تعهد برات که هر دو غلط است :

8 ۱- اسناد تجاری وقتی قابل پرداخت اند که مثلاً واقعی داشته باشند

9 ۲- اسناد تجاری بدون توجیه به مثابه قابل پرداخت است

10 ۳- در صورتی باید در اسناد تجاری صرفاً به تعهد برات توجیه کرد که اعتبار مستقیم ، تعهد متناظر اکتبیین

11 برگه باشد ، این نظریه صحیح است

12 تفاوت برات و حواله :

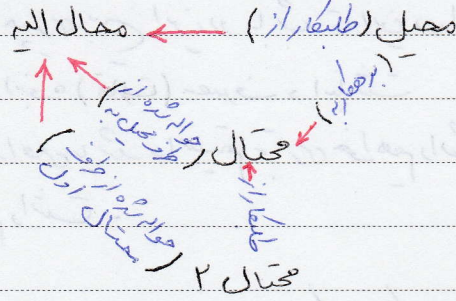
13 حواله : احوالی طلبکار به مدیون خود (اگر ضرر طلبکار را به مدیون خود احوال دهد به این حواله گویند

14 یا در صورت مدیون برای پرداخت بدهی به طلبکار خود

15 بین یک محیل دارم ، یک محال الیه و یک محال یا محال له

16 اگر در این جا محال به شخص دیگری حواله دهد اعتبار حواله کم می شود زیرا اخص ثالث نسبت به محال الیه

17 شناخت کمتری دارد

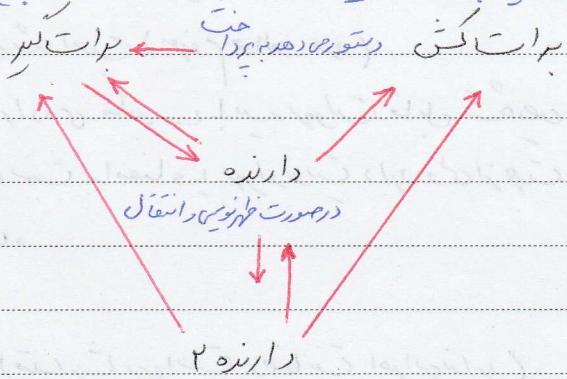


18 19 20 21 22 23 نکته : در صورت حواله رابطه محیل با محال الیه و محال قطع می شود و محال فقط می تواند محال الیه

24 رجوع کند در صورت وجود محال ۲ ، اولیوم تواند به محال ۱ رجوع کند و فقوا می توانند محال الیه

25 رجوع کند

برای: نوشته این که به موجب آن شخص به شخص دیگر دستور دهد که مبلغ معینی را به رؤیت (عندالطالب) یا در موعد معینی به شخص معینی یا قابل تعیین بپردازد.
بنابراین برای کس به برائتگ دستور دهد که وجهی را به دارنده بدهد، در این صورت
برای کس معین است مبلغ معین در راه. پس اگر برای کس در اندک هدف می شود پس کس اهدایی
اگر معین کند نفعی آن تعهد براتی است پس برای کس و دارنده، برای معین در این جا دارنده
برای هم می تواند برای کس رجوع کند و هم به برای کس.
اگر برای کس غیر نفعی شد اعتبارش کمتر می شود (ظهور نفعی معین اینست) دارنده برای کس را به شخص دیگری
بدهد پس در این جا دارنده ۲ می تواند هر سه نفر رجوع کند.



نکته: در حواله فقط تعهد مشأ وجود دارد و اگر ایجاب شود که واقعاً بنده حواله باطل است و با حواله
رابطه دینی جدیدی جایگزین روابط سابقه می شود.
اما در برای کس تعهد براتی موضوع ایجاب بخاره است و تعهد مشأ در آن تأثیر ندارد و کس
و باطل با کس برای کس صحیح خواهد بود و با انتقال برای کس دارنده جدید تعهد مسئولین
افزایش یافته و تضمینات سند تقویت می گردد.
ماده ۲۲۳: برای کس علاوه بر مهر یا امضا باید دارای شرایط باشد.

دلیل نقلیه شرایط برای کس چیست؟
هر یا امضاء اشأ تعهد براتی است و بدون آن اصلاً تعهدی پذیرفته اند در حالی که سایر شرایط شرایط
هستند که اگرچه در ایجاد تعهد مؤثر اند ولی فقدان آن به معنای عدم ایجاد تعهد به طور کلی نیست به بیان
دیگر امضاء یا مهر برای کس به معنای اعلام اراده و پذیرش تعهد براتی است و بدون آن هیچ تعهدی
صورت نگرفته است.

1 سوال: تفاوت مهر و امضاء چیست و چه تفاوتی در اعتبار آن است؟

2 امضاء اثر شخص و اختصاصی خود است که فرض بر این است که توسط وی ایجاد شده است بنابراین
3 اثبات انجام امضاء ^{توسط} امضاء را از اعتبار من اندازد در حالی که مهر اثری پذیرفته شده
4 (مقرر و توافق) به عنوان اثر اختصاصی شخص است که می تواند توسط دیگری نیز انجام شود بنابراین صرف
5 اثبات انجام مهر توسط دیگری موجب به اعتبار آن نیست.

6 آیا اثر انقضا هم اعتبار دارد؟

7 خیر. (۱۰) قانون نذار در مقام بیان بوده و امضاء در مقام بیان مفید هست است. استناد به حیاس
8 اولویت (مفهوم موافق) در صورتی است که بیان قانون نذار مطلق است ولی در فرض مفید بودن و امضاء
9 موارد قاعده‌ی حصر، موارد بیان شده است. (مفهوم مخالف مورد).

10 (۲) در معاملات تجاری ابزار اراده‌ی مکتوب باید به سهولت قابل شخص باشد، اثر انقضا اگرچه
11 از جهت اختصاصی و شخص بودن نیست به امضاء یا مهر اولویت دارد ولی از جهت تطبیق و شناسایی
12 امری غیر رایج و متروک است.

13 شرط:

14 ۱- قید کلمه‌ی برات روی برگه (مقدارش در است و ضمانت اجرایی ندارد).
15 ۲- تاریخ غیر، روز، سال و ماه (تاریخ تحریر به معنای تاریخ صدور است) حقیقی یعنی که معنی شده‌ی
16 تاریخ باشد لغایت می‌کند.
17 ۳- اسم شخص که می‌خواهد برات را تأدیہ کند. (اسم به معنای مشخصات شخص است).
18 ۴- تعیین مبلغ برات. (از آن جایی که این اسناد در حکم وجه نقد هستند پس باید دارای مبلغ معینی
19 باشند.

20 ۵- تاریخ تأدیہ وجه برات. یعنی تاریخ پرداخت برات. (اگر عندالمطالبه یا به رؤیت نباشد باید
21 تاریخ آن مشخص باشد).

22 نحوه‌ی تعیین تاریخ به دو عده از رؤیت، به عده از صدور، تاریخ سه رسید.

23 ۶- مکان تأدیہ وجه برات (یعنی در کجا مطالبه شود باید در آن ذکر گردد).

24 ۷- اسم شخص که برات در وجه او پرداخت می‌شود.

تعین دارنده :

۱) در وجه حامل (در طبق و سقفه پذیرفته شده است)

۲) در وجه شخص معین

۳) به حواله کرد شخص معین (یعنی من این سند را حواله می کنم به فرد معینی تا او خود مورد نظر را مشخص کند)

مثلاً صاحب برات می نویسد : مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ در وجه به حواله کرد آقای ابوری برداشت شود

ابوری

بعد آقای ابوری می نویسد : در وجه شرفی برداشت شود
پس آقای ابوری خود مورد نظر را (شرفی) مشخص می کند

۸ - تصریح به اصل نسخه ی چندم است .

ماده ۲۳۵ : تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود . اگر مبلغ بیش از یک رقم به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطبق اعتبار است . اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است .

پس اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شود ، مبلغ با حروف معتبر است یعنی در این جا هر دو معتبر است
اما حروف از اعتبار بیست و پنج بر خوردار است . در این جا عدد یک قید ارشاد می است .

ماده ۲۳۶ : در صورتی که برات متعلقین یکی از شرایط اساسی مقرر در ماده ۲۲۳ نباشد (۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸) مسئول مقررات راجع به برودات تجارتی نخواهد بود .

پس در این ماده براساس ۷ مورد ضمانت اجرا گذاشته شده است یعنی اگر این شرایط نباشد صرفاً یک سند برهن است نه یک سند تجارتی .

ماده ۲۳۷ : برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود .

آیا می شود برات را ناشی از بابتی صادر کرد ؟ صحت این ماده می شود و از آن جا می که ناشی از طرف صادر کننده و برات را صادر کرده پس انگار خود او صادر کرده است پس در کلی ضمانت نیست مگر درصورتی که قانون گذار او را هم ضمانت تلقی کرده .

قبول و نكول در اسناد تجارتي خصوصاً برات :

صدور برات بر علم برات كبر (حال علم) ايجاد مسؤليت قصداً منقوله يا غير ناقد بر عهد من برات كبر
من ضايعه كه با مراجعه به برات كبر و برات كبر بايد اعلام نظر كنند در صورت پذيرش اين مسؤليت ،
مسؤليت قصداً من برات كبر به عنوان مستورد اصل من ، قصدي ، ناخذ و مستفهمي گردد و در صورت برداشتن
از دايه من مسؤلين سند خارج مي گردد .

برات از جهت قبول يا نكول :

قبول ، نكول ، استنكاف از قبول يا نكول
شكل استنكاف اين است كه قابل مطالبه نيست نه از مسؤلين و نه از جرائق دادگاه چون سند هنوز
ناقص است .

بر اين صحنه اين مشكل دارند اظهارنامه اين تنظيم مي كنند (توسط دفتر دادگاه) بر سبنای رؤيت (معني به رؤيت برات
كبر صادره شد) بعد از آن استنكاف در حكم نكول است .

نحوه قبول يا نكول :

قبول يا نكول بنا بر ايمضاء دارد و بر اين نكول عبارتست كه صواب است در نكول داشته باشد لازم است .
اگر بر اين قبول هر يك از آن كه دلالت بر نكول نكند كافيه است (اين لازم نيست كه دلالت بر قبول كند) .
بنابر اين اگر چيزي هم نشود اين قبول محسوب نمي شود . اين اصل بر قبول برات است با ايمضاء
مگر خلاف آن ثابت شود .

آيا قبول و نكول مي تواند مشروط و مقيد باشند يا خير ؟
در عاقله ديديم پر دازم ، به احتياط من پر دازم ؟

دليل بر اين بطلان شرط پذيرم و اعاقا خون گذار من گويد قبول مشروط در حكم نكول است معني دارند مي توانند
به ساير مسؤلين مراجعه كنند و بر اين برات كبر ايجاد مسؤليت من كنند (معني بر اين دارند در حكم نكول و بر اين
برات كبر قبول است) .

قبول جزئي برات :

آيا قبول جزئي برات قبول است يا نكول ؟
يك اصل داريم به نام اصل قابل تجزيه و معني وجه سنيك كل متصل نيست و قابل تجزيه است بنا بر اين تعهد
جزئي قابل پذيرش است پس نسبت به همان جزء قبول و نسبت به مابقي نكول است .

تکلیف دارنده در مقابل نكول برات (برس و صنعت نكول برات):

قانونگذار همگویی برات نكول شده باید نزد مقام رسمی تصدیق نامه نكول (اعتراض نكول) تنظیم و به سایر مسئولین ارسال شود.

اعتراض نامه نكول: اعتراض به معقول مستند سازش و صنعت برات است که احکام و آثار قانونی بر آن و صنعت بارور شود. شامل اعتراض نكول و اعتراض عدم تأدی است.

اثر اعتراض نكول:

۱- برات می تواند حال شود
۲- حق مراجعه به سایر مسئولین ایجاد می شود
۳- می تواند از سایر مسئولین ضامن اخذ کند. **ماده ۲۳۷.** پس از اعتراض نكول ظهر نویس ها و برات دهند با تقاضای دارنده برات باید ضامن برای تأدی وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام خارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدی نمایند.

اشکال:

در ماده ۲۳۷ قید تقاضای دارنده برات برای انتخاب یکی از دو وجه درخواست ضامن و یا تعدی می خوری است چون اولاً تراش بین برات کش و دارنده بر وعده دار بودن برات است و صرف نكول برات گیر که از ابتدا مسئولیت وی معلوم یا غیر ناقد بوده است نمی تواند مفاد تراش را تغییر دهد مگر آنکه دلیل قاطع وجود داشته باشد.

باید در استنباط از منظوق ماده ۲۳۷ اصل بر حالت اراده و لزوم پاسداری بر مفاد تراش است بنا بر این تبدیل تعهد مؤهل به پرداخت برات به تأدی می خوری در صورت عدم معرفی ضامن خواهد بود ثانیاً بانكول برات گیر یکی از مسئولین تضامن سند کارته می شود و با معرفی ضامن این کسب و خیر از سر گرفته و لزوم برای تبدیل سند مؤهل به حال وجود نخواهد داشت.

سوال:

آیا این مجموع باید یک ضامن بدهند یا هر کدام باید یک ضامن بدهند که عبارت است در ماده ۲۳۷ آیا هر یک از ظهر نویس ها و برات دهند ها باید برای تأدی وجه برات در سر وعده ضامن بدهند و الاً فوراً تأدی کنند یا اینکه مجموعاً معرفی یک ضامن کافیست می کند و سند صورت مؤهل باقی خواهد ماند؟ اشکالات تقریب دوم: در ضامنیت مسئولین یعنی باید مشخص باشد که عبارت دیگر: ضامنیت را بهای ۳ جایش بین ضامن، مسئول له و مسئولین معنی است و ضامنیت از تحقق انجام می گیرد از موضوع نهد به عبارت دیگر در ضامنیت جاری (عرفی) ضامن از مدیون ضامنیت می کند از سوی پرداخت دین.

ماده ۲۴۹ و نوع مسئولیت تضامنی را گفته است که تحقق ثالث توانست به مسئولین معنی مسئول است نه نسبت

به حقیم .

اشغال دوم : توقیف بودن مسئولیت سنجاری .

به موجب ماده ۲۴۹ مسئولین سنجاری شامل برات کش ، برات گیر و نظائر ایشان است ، هر شخص دیگری بر دافعت وجه برات را بپذیرد در حدود ضمانت از کسی از ایشان فقط با اذن مسئولیت تضامین خواهد داشت .
بنابر این این ضامن در ماده ۲۲۷ با سایر مسئولین ، مسئولیت تضامین ندارد و باینکه مسئولین عنین وی یکی از مسئولین باشد .

مسئولیت تضامین :

آنچه در حقوق و فقه در این رابطه آمده این است که مالک چیزی داریم تحت عنوان دین که دارای سرکن است : مدیون ، داین و دین .

در رابطه با دین و قهر شخص بخواهد ضمانت کسی را بپذیرد ، این ضمانت تبیین مدیون به مدیون جدید یا همان ضامن است که به این عملیات نقل ذمه گویند (البته داین و مدیون سر جایی خود هستند) .

البته قهر معتقد اند در یک لحظه برای یک دین ، بیشتر از یک مدیون تصور می شود لذا اثر کسی بخواهد ضمانت کند باید دین به عهده ضامن بیاید و ذمه مدیون بری شود .

در قابل این نظریه اهل سنت نظریه ای دارند که میگویند ضمانت یعنی : مدیون + مدیون جدید (ضامن) و داین و مدیون هم ثابت است . به دین علاوه شدن ضم ذمه من یوسف . ایا امانیه ضم ذمه را در برده است .
دلیل این اختلاف بری میورد به برداشت از مفهوم ذمه .

ذمه :

در حقوق اسلام برای اینکه قراردادها دارای ثبات باشند سعی شده است نتیجه بی قرار دادها انتقال مالکیت باشد لذا اصل بر انتقال مالکیت است ، مگر اینکه امکانش نباشد که این صورتی است ، بر خلاف حقوق که بالعکس این است .

در انتقال مالکیت در عین معنی هیچ اختلافی وجود ندارد . ولی وقتی موضوع معامله کلی است که در خارج وجود ندارد (مثل اینکه زیر ۴ صدگی از این صدگی ها را به بحرین فرستد ، این ۴ صدگی حافه الذمه است ، بینه آن طرف است که دین شخص در آن قرار میگیرد) .

برای ایند بتوانیم رابطه مالکیت طلبکار را با حافه الذمه بر سر کنیم ، ابتداء ظرف ذمه را بکار میگیریم ، ایا اگر رابطه بین طلبکار و مدیون باشد بخواهد تا میسر شود .

1 حال. وقتی من میروم هضم، دین بر ذمه من است، چنانچه من ضمانت شد باید دین از ذمه من
2 بر ذمه من منتقل گردد و الا حسن هیچ مسئولیتی ندارد، لذا در تعریف ضمانت می گوئیم: بری شدن ذمه من
3 میروم توسط ضمانت شدن.

4 حال اشکال ضم ذمه این است که تصور عرف از ضمانت غلط است، زیرا طرفین انحصار من است و اثر
5 اشتراک بر ذمه هم مشترک می شود و دین مشترک هم بصورت منتهی اداء می شوند و این مشارکت منتهی
6 است که از آن ضمانت در نمی آید.

7 پس ضم ذمه یعنی گسستن ذمه ها، در حالی که در مسئولیت ضمانت می توان از هر دو مطالبه کرد (اهل سنت
8 خلاف ذمه را وسعت داده اند). ما در حقوق ضم ذمه نداریم بلکه مسئولیت ضمانت داریم.
9 **تعریف:**

10 مفهوم ذمه از خصایف اخف اسلام است و در حقوق نیامده است، بلکه محبت از مسئولیت و تعهد است که رابطه
11 بین افراد است نه رابطه فرد و مال.

12 **مسئولیت:** یعنی یا سگوار بودن که یا ضامن است و یا چیزی، اگر چیزی باشد یا مسئولیت بین آنها تقسیم می شود
13 که به آن مسئولیت منتهی می گویند و یا هر کدام مسئولیت جداگانه دارند که به آن مسئولیت ضمانت منتهی می گویند.

14 در مسئولیت ضمانت مهم نیست که مسئول اصلی چه کسی است، لذا هر کس مسئولیت انجام تعهد را بر عهده می گیرد
15 یعنی تک تعهد اصلی وجود دارد ولیچه انجام آن تعهد را بر عهده دار می شوند.

16 مثلاً فرض کنید من ضمن این خانه را بدهکار هستم، حال آنکه ضمانت من را می کنند، یعنی پرداخت این
17 ضمن را می بپردازند لذا در یک زمان هم متعهد اصلی داریم و هم ضمانت، چون در این جا تکلیف میروم نداریم تا مشکلی
18 پیش نیاید. پس مسئولیت ضمانت در حقوق عرفی است (لذا اقصای که می خواهند از راه ضم ذمه مسئولیت
19 ضمانت را در سنت کنند باید در یک جا سامانده کنند).

20 پس در حقوق می گویند (در تعریف ضمانت) تعهد به انجام تعهد دیگر که اصل تعهد موجود است و نقل و انتقالی صورت
21 نمی گیرد.

22 خلاصه اینکه بکار بردن تعهد دین به جای تکلیف استباه است، چون آثار تعهد مالکیت متفاوت است،
23 مثلاً من هزار تومان بدهی بر حکام، قطع می آید من مالک خانه الذمه من است، مبلغ هزار تومان دلی
24 حقوق می گویند من تعهد دارم هزار تومان بدهی بجم، فرق این دو در این است که تعهد قبل از انقضاء شدن
25 چون مال نیست لذا قابل انتقال هم نیست و لو طلب جزء اموال و قابل انتقال است.

1 انواع مسئولیت قضائیه:

2 مسئولیت قضائیه به دو گونه است: طولی و عرضی

3 مسئولیت طولی آن است که ابتدا سرانح مسئول است و اگر بعد سرانح مسئول است و هم چنین

4 مسئولیت عرضی آن است که هم زمان به عنوان هم مسئولان در خواستیم باید همه آنرا برآورد کنیم.

5 در برات مسئولیت قضائیه است، حال در خواستیم مسئولیت در برات طولی است یا عرضی.

6 توضیح:

7 در برات هر که برات را امضاء کند به مسئولین اضافه می شود و اعتبار برات بالا می رود.

8 در برات اگر برات قبول شود مسئول اصلی برات گیر است ولی اگر از قبول نکرده مسئول اصلی براتش

9 است، لذا در صورت قبول مسئول اصلی برات گیر است و باقی افراد (برائش، دارنده، دارنده ۲ و...) مسئول ۲

10 هستند و همگی در یک عرض هستند. پس در برات هم مسئولیت طولی داریم و هم مسئولیت عرضی.

11 نکته:

12 برات سند تجاری است و فوق سند تجاری یا سند غیر تجاری این است که سند غیر تجاری نوشته این است که در مقام

13 اثبات دعوی یا دفاع از آن استفاده می شود و لذا ماهیت آن دلالت و حکم دیگری از مشتأ است که

14 تقوید یا عقد باشد و به صرف امضاء سند هیچ رابطه حقوقی شکل نمی گیرد، بلکه فقط از یک رابطه حقوقی حکایت

15 می کند اما سند تجاری ۲ کارکرد دارد:

16 ۱- جنبه دلالتی سند غیر تجاری (جنبه ایجاری) یعنی تقوید براتی نسبت به وجه سند

17 پس حکم سند طلب است و خود طلب و لذا بر بیلگی حکم می توان وجه حکم را مطالبه کرد و هم مشتأ آن را

18 (مثلاً حکم یک مشکلی پیدا کرده است و من استناد به سند معاهده می کنم و از راه جنبه حقوقی در خواست پولم را

19 می کنم) پس مطالبه وجه حکم مستقل است، خارج جنبه طلبی خود اعتبار در سند تجاری اتفاق می افتد.

20 قانون نیز برای ایجاد تقوید یک شرایطی را انداخته که به آن شرایط شکلی سند می گویند که این شرایط رعایت نشود

21 تقوید براتی (جنبه ایجاری) ثابت نمی شود ولی جنبه دلالتی سند تجاری باقی می ماند.

22 برای اینکه این تقوید اجرایی شود فقط شرایط شکلی را برمی آوریم که در ماده ۲۲۳ آمده است، لذا شرط مضاف

23 بر این شرایط منگور در قانون نیازی نیست زیرا مقنن در مقام بیان بوده و اگر می خواست تقوید براتی هم مثل سایر

24 تقویدات، شرایط ماهوی را دارا باشد حتماً ذکر می شد. ولی تقوید مشتأ (مثل تمام عقود) همه شرایط را خواهد

25 چون یک تقوید حقوقی است.

به طور خلاصه در مورد شرایط برات ۲ رقم وجود دارد:

۱- نظر مشهور: برات، سفته و چک مانند سایر تعهدات، نیازمند شرایط اساسی معاملات (صحیح) می باشد و در صورت تکمیل شرایط شکلی برات (مندرجات در قانون) اصل بر صحت تعهد براتی است و فادامه که فقدان شرایط اساسی ثابت نشود برات معتبر است.

۲- مقابل مشهور: در مقابل مشهوره همان گفت برات از حیث دلالی تعهد مشتأ آن باید با رعایت شرایط ماهوی پذیر آمده باشد لذا این از فقدان شرایط ماهوی نسبت به تعهد مشتأ مسومع است و در نسبت به تعهد براتی که یک رابطه اعتباری خاص تجاری است، بنا بر وصف جا بلزین، شکل، تجویزی اسناد تجاری و با استناد به اصل عدم توجه ایرادات، براتی که شرایط شکلی آن تکمیل باشد، قابل ایراد به فقدان شرایط ماهوی نمی باشد و در هر صورت قابل مطالبه است. مگر اینکه سند تجاری قبلاً ابطال شده باشد.

نکته:

سند تجاری وجه عمومی: حال وجه نقدی است که باید پرداخت شود چون عمومی است و باید سریع نسبت به آن حکم شود.
وجه خصوصی: همان رابطه بین دو نفر است که قواعد عمومی در آن حاکم است.

ظهور نویسی بیست نویسی نیت:

بیست نویسی: اقدام دارنده به اعدام مطالبه سند تجاری از مسئولین آن می باشد مثلاً صاحب چک بیست چک را با مشخصات خود امضاء می کند.

ظهور نویسی: به قصد انتقال، وکالت یا وثیقه بسیار انجام می شود.

بیست اقدام دارنده سند تجاری به وکالت آن به دیگری است که یا به قصد انتقال به او یا به معرفت دارنده جدید است (ظهور نویسی انتقال) یا به قصد معرفت او به عنوان نماینده در مطالبه وصول یا اقدام قضایی است (ظهور نویسی وکالت) یا به منظور وثیقه دادن آن به طلب کار در جهت اطمینان از پرداخت دین و انجام تعهد است (ظهور نویسی وثیقه بسیار).

نکته:

ظهور نویسی اگر به تنهایی استعمال شد ظهور نویسی انتقال محسوب می شود.

1 ظهر نویسی برای انتقال عموماً در جاهایی انجام می شود که در وجه شخص معین است و برای اعطای حقوق
2 سند به دیگری باید او را به عنوان دارنده یا جدید معرفی نمود و الا در اسناد در وجه حامل که دارنده
3 هر شخصی می تواند باشد انتقال آن نیازی به ظهر نویسی ندارد.

4 در ظهر نویسی باید دارنده اقدام خود را ابراز کند پس تماماً ظهر نویسی نیاز به امضاء دارد.
5 پس حداقل ظهر نویسی امضاء دارنده عموماً در نسبت برکزی سند جاری است ولی اینک آیا نیازی به
6 نوشتن قصد دارنده و توضیح آن در اسناد نیز وجود دارد یا قانون مراجع می کنیم.

7 ظهر نویسی انتقال:

8 عملیات خاص که دارنده به منظور انتقال حقوق خود به موجب سند به شخص دیگر انجام می دهد پس
9 یا انتقال دیگری ندارم و یا اگر دارم این آثار را ندارد.

10 آیا ظهر نویسی صرف امضاء کامل است یا ناقص؟

11 ظهر نویسی کامل دارای ۲ مهذ است: ۱- امضاء ۲- تاریخ ۳- دارنده (که یا شخص معین است یا در

12 وجه حامل)

13 ظهر نویسی ناقص یعنی حداقل امضاء را باید داشته باشد حال یا تاریخ دارد ولی دارنده ندارد یا بالعکس.
14 تاریخ ظهر نویسی معین کننده زمان انتقال برات است و می تواند ملاکی در صحت و نفوذ آن نسبت به
15 اهرار شرایط اهلیت و عدم ورشکستگی باشد و هم چنین می تواند ملاکی در حدود مسئولیت متقابل نسبت
16 به معامله می باشد مثلاً ظهر نویسی باشد.

17 اگر تاریخ نبود تاریخ تا از کی بضمیم؟

18 اگر ۲ تاریخ ادعا شد در خصوص ظهر نویسی بنا بر اصل تأخر هادش تاریخ مؤخر اخذ می شود. اگر تاریخ
19 معین ادعا شود فرض این است که در زمان ارائه ظهر نویسی وجود داشته و نسبت به حامل آن
20 تردید وجود دارد بنا بر این زمان ظهر نویسی با ارائه سند فرض می شود.

21 عدم تعیین دارنده:

22 نسبت به عدم تعیین دارنده گفته می شود که وقتی سند ناقص است در حکم در وجه حامل است یعنی مثل سند در
23 وجه حامل با آن معامله می شود اما شرط آن این است که قابل تغییر به ظهر نویسی در وجه شخص معین است
24 (یعنی در این جا نیازی به امضای دارنده جدید نیست) ولی در وجه حامل اگر نخواهد انتقال دهد نیازی به امضای خود

1. امضاء کنند بدون درج مندرجات در حکم اعطاء نمایندگی در تسلسل مندرجات به منتقله الم است.
2. (بعضی وقتها من امضاء کردم ولی شخص را مشخص نکردم و آن را به دیگری دارم یعنی قبول کرده ام که او
3. شخص را مشخص کند).

ظهور نویسی و کالت:

5. بنابر تبصره تصدیق دارد. در صورت تبصره می شود که آقای فلانی وکیل در روستا، یا وصول یا اعتراض و
6. آقای فلانی دعوا است.
7. اگر شخص وکیل در وصول باشد وکیل در اعتراض و آقای فلانی دعوا نیز محسوب می شود مگر آنکه خلاف آن
8. تصریح شده.

ظهور نویسی و وثیقه سیاری:

10. و قسری گفته می شود تضمین باشد یعنی شخص معرفی شود ولی در عرف رهن و وثیقه سیاری هم زیر مجموعه می
11. آید.

12. دارنده سند می تواند سند را به عنوان وثیقه گرو بسیار دین هنوز سند مال من است و در صورتی
13. که من از تعهد خود تخلف کنم شخص می تواند آن را نقد کند بنابر دین و این دارد یعنی بابت
14. چه دینه و چه چه کسی داده رده است پس اگر این دو مشخص نشود باطل است هم چون رهن.

صدور سند بابت تضمین:

16. به خلاف ظهور نویسی و وثیقه سیاری که هر دو کاربرد های سند تجاری است، صدور سند بابت تضمین
17. خلاف ظاهر سند و مخالف وصف تنجیزی آن است به عبارت دیگر صدور سند تجاری و اراضی
18. آن به دارنده، ایجاد تعهد مطلق و بدون قید و شرط در برداشت وجه سند دارد بنابر این قید تضمین
19. در هنگام صدور یا به موجب سند دیگر تأثیری در این اطلاق ندارد و مطابق ظاهر هر سند صادر
20. گشته می بوی محسوب می شود.

مسئولیت تضامنی:

21. مسئولیت تضامنی به دو گونه است
22. ۱. مسئولیت تضامنی مسئولین
23. ۲. مسئولیت تضامنی ضامن وکیل از مسئولین
24. آیا هم زمان می توان به همی مسئولین (عرضی) مراجعه کرد و یا به صورت تدریجی (طولی) باید مراجعه شود؟
25. در ابتدا مسئولیت تضامنی طولی است و در صورت اعتراض و عدم پرداخت مسئولیت عرضی است، یعنی ابتدا

۱ به مسئولین یعنی در صورت عدم پرداخت به ضامن رجوع می شود. مسئولیت تضامین مسئولین هم ابتدای طور است

نکته:

۳ اگر سند تجاری را کسی پرداخت کرده ولی شخص اصلی نبوده این پرداخت، پرداخت از محل نیست.

پرداخت:

۵ نوع پول: در برات های داخلی وجه رایج ملاک است. اما در برات های بین المللی از هر خارجی ملاک است
۶ و اگر به بیرون باشد در صورتی می تواند به دلار داد که دارند رضایت داشته باشند.

۷ زمان پرداخت: زمان پرداخت برات اگر به وقت باشد به محض مطالبه و اگر به وعده باشد در سر رسید اگر
۸ سر رسید روز تعطیل بود فترای آن روز.

۹ اثرات تاریخ پرداخت: ۱) قبل از تاریخ سر رسید نباید سند پرداخت شود و اگر پرداخت شد حق مراجع به
۱۰ سایر مسئولین را ندارد. (این فقط برائت است یا برائت که می تواند قبل از سر رسید پرداخت کند)
۱۱ ۲) دارند می توانند مسئولی که به آن مراجع کرده جعلت دهد مگر با رضایت سایر مسئولین. اگر این کار را بکند
۱۲ حق مراجع می او به مسئولین تضامین زائل می شود.

۱۳ محل پرداخت: محلی که تعیین می شود (مهم در برات) هم گفته و هم در حکم «تسین کشده» محل پرداخت است.
۱۴ محل پرداخت برای هر دو مسئولین تقویت آور است. پس نمی توان اقامتگاه خود را محل مطالبه قرار داد.

۱۵ گم شدن سند: آیا سند گم شده را می توان مطالبه کرد؟

۱۶ سواد ۴۶۱ تا ۴۶۴. اگر در وجه تعیین باشد می توان با همکاری مسئولین آن را مطالبه کرد و می آید
۱۷ سند در وجه جابجایی باشد قابل مطالبه نیست زیرا اسناد در نزد هر کس باشد می توانند آن را نقد کنند
۱۸ یعنی او مالک است.

۱۹ پرداخت جزئی برات: اصل این است که مبلغ برات قابل تجزیه است. یعنی مثلاً اگر یک میلیون مبلغ است
۲۰ و شخص ۱۰۰ هزار از تو همان دارد باید همان ۱۰۰ هزار از تو همان پرداخت شود. پس این برای ۲ طرف هم حق ایجاد
۲۱ می کند و هم تکلیف.

۲۲ حق ایجاد می کند برای دارند از این جهت که می توانند مطالبه کنند و تکلیف ایجاد می کند برای دارند که بگویند زیرا
۲۳ در مسئولیت قهراً تأیید دارد و مسئول تکلیف دارد که بدهد و حق دارد در صورت عدم قبول دارند مبلغ را به
۲۴ صندوق بانک بدهد و اعلام پرداخت کند.

سوال: آیا دادگاه می‌تواند بدون رضایت طلبکار (دارنده) وجه را قسط بندی کند و یا به مسئولین سند تجاری مهلت دهد؟ بل صیقل ماده ۴۵۲ ق.م.و.ا.د.گاه می‌تواند بدون رضایت طلبکار مبلغ را قسط بندی و طبق ماده ۲۶۹ دادگاه ۲ اختیار دارد ۱- مهلت دادن ۲- تقسیط کردن البته از آن جایی در ماده ۲۶۹ رضایت را شرط دانسته پس هم مهلت و هم تقسیط باید با رضایت باشد پس در تنظیم بدون رضایت لغو شود. دارنده چه چیزی را می‌تواند طلب کند؟

دارنده می‌تواند وجه برات و طلب هزینه‌های خارج از سند به اضافه‌های خسارت تأخیر تأدیر را طلب کند. خسارت تأخیر تأدیر ← جبران خسارت بود ریاض تأخیر X
هزینه‌های تأخیر تأدیر X (آز حدی قانونی باشد زیرا هم دلی الزام بر داری باشد و هم داغ)
جبران خسارت افت ارزش پول ✓
پرداخت مبلغ خسارت قراردادی ✓

اگر قراردادی نوشته شود به مبلغ ۲۵ میلیون و باشد خسارت قراردادی ۲۵۰ میلیون چگونه خوان آن را باطل کرد؟

۳- راه برای بطلان این شرط است. (۱) خلاف نظم عمومی است پس باطل. (۲) معامله مضحک است پس باطل. (۳) یا مشروع است به دلیل ضرورتی که یکی از طرفین معامله داده که ۴۰۰ میلیون باطل. (۴) این اشکال دارنده بتواند به حق خود برسد باید مدارک زیر رعایت شود.

(۱) اخذ قبضه (رضایت): مهلت آن یکسال است یعنی دارند باید ظرف یکسال از برات بگیرد قبولی را بگیرد. ضمانت اجزای این مورد این است که حق مراجع به پانته مسئولین را از دست می‌دهد، فقط در صورت عدم پرداخت حق مراجع به برات کش را دارد که محل نزد اوست.

(۲) موعد اعتراض: اگر وقت برات نگول باید اعتراض کند و مهلت اعتراض: امروز است. در هر کدام از مسئولین یا قبل ظرف امروز مهلت دارند که به مسئول عامله اعلام نگول برات کنند.

(۳) مهلت مطالبه: اگر وجه برات موعد معینی داشته باشد یکسال از تاریخ سر رسید دارنده فرصت دارد که مطالبه کند و الا حق مراجع به تمام مسئولین را از دست می‌دهد و اگر سر رسید نداشت از تاریخ ردیت باید مطالبه کند و اگر که پرداخت نشد باید اعتراض عدم پرداخت کند و مدت آن ظرف ۱۰ روز است.

(۴) مهلت اقامه دعوا: از تاریخ اعتراض عدم پرداخت یکسال مهلت اقامه دعوا بر علیه

1 مسئولین بند تجاری است بعد از آن حق استاد به مسئولیت تضامنی را ندارد و صرفاً علیه مسئول
2 اصلی می تواند اقدام می دعواند.

3 **تعارض قوانین:**

4 اگر برای در این صادر شود و برات برتر کنیم، ضامن در مجرای باید به کدام قانون کشور معامله شود؟
5 در این حاصلق هر اعضاء در هر کشوری صلوق همان کشور معامله می شود پس براتکش باید طبق قوانین ایران،
6 برانگیز صلوق قوانین برتر کنیم و ضامن صلوق قوانین مجربین محل گنند.

7 **تفاوت برات با سفته و چک:**

8 در سفته و چک چیزی به عنوان قوی نداریم.

9 سفته: نوشته ای است که به موجب آن صادرکننده مستعد می شود مبلغ معین را عند المطالبه یا در سر رسید
10 به شخص معین یا در وجه حامل یا به حواله کرد شخص معین پرداخت نماید.

11 **تفاوت برات با سفته و چک:**

12 برات در وجه حامل صادر نمی شود ولی سفته در وجه حامل صادر می شوند.

13 **اهداف صدور سفته:**

14 (۱) مستند ازین دین: به موجب سفته صادرکننده تعهد وجه نقد خود را در مقابل سفته مستند می نماید و به
15 استناد آن دارنده می تواند به طور مطلق وجه آن را مطالبه کند.

16 (۲) استعراض: در مواردی که شخص از ادر درخواست دائم شده است بجای وجه نقد در وجه مستعرض سفته
17 صادر می کند تا ادیتواند در مقام پرداخت به عنوان دارنده سفته از آن استفاده کند.

18 (۳) تأمین اعتبار: در روابط تجاری بین تجار در معرفی نا اهن ناشناس می توان معاملات ادر از
19 طریق سفته تأمین اعتبار نموده

20 (۴) پرداخت به موجب سفته: گاهی میزین این وجه نقد، دین خود را به موجب سفته پرداخت می کند، عموماً
21 سفته های به این منظور عند المطالبه بوده و هر شخص می تواند هرگاه اراده کرد خود یا منتقل الیه وی به موجب

22 قلم نویی برای دریافت وجه مراجع کند. در ضمن که سفته مؤصل باشد پرداخت مرسوم اتفاق نیفتاده
23 ولی در معاملات تجاری به موجب قواعد تنزیل پرداخت محسوب می شود.

24 نرخ تنزیل: عبارت است از تفاوت پرداخت حال با مؤصل در معاملات بازار شد نرخ تنزیل ۳ درصد
25 ماهیانه به معنای این است که در صورت جایگزینی پرداخت یک ماه به جای پرداخت نقدی

۳ در صدد تعیین معانی یا عوض افزوده می گردد.

نکته:

قانون زیر در بعضی قسمه طلب یا بی طلب می تواند بینه بیدر بند فتح یا بیته به معنای تکلیف کاغذ است.

شرایط بقیه: ماده ۳۰۸

۱۱) شهر یا امضاء (۲) تاریخ صدور (۳) تاریخ پرداخت (۴) مبلغ

۵) نام دارنده

قانون ضمانت اجبرایی برای این شرایط تعیین نگردیده است.

مقدمه:

بسته می سفید امضاء یعنی مندرجات رها شده و فقط امضاء نگه داشته است.

اولین قاعده: در حقوق تجارت و انزاری سفید امضاء به منزله ای اعلام رضایت به تکمیل مندرجات

توسط دارنده است. بنا بر این نمایندگی ضمنی نتیجه می دهد و سفید امضاء است در نتیجه به حذف

اسناد عادی اثبات تکمیل مندرجات توسط غیر رافع مسئولیت نیست.

نتیجه عملی: ملّاک در تکمیل مندرجات زمان ارائه است نه زمان صدور.

شهر یا امضاء:

شهر یا امضاء حاکی از انشاء رابطه ای حقوقی (تجدیرانی) و بیرون آن اصلاً عمل حقوقی صورت نمی گیرد.

بنا بر این ضمانت اجبرایی فقدان شهر یا امضاء عدم شکل گیری سفید است نه بطلان آن.

تاریخ صدور:

راجع به فقدان تاریخ صدور در بسته بی نظر قابل طرح است.

۱۱) لزوم تاریخ صدور در هنگام ارائه:

بنا بر این نظر به هیچ طریقی نمی توان تاریخ دقیق سفید تجاری را تعیین کرد و باینکه همواره

تاریخ مندرج اسناد شود و با توجه به لزوم درج آن به موجب ماده ۳۰۸ قانون تجارت

باینکه در هنگام ارائه تاریخ صدور درج شود ولو توسط دارنده و الا ناقص بود و با اخذ

ملّاک از بابت باید همین بسته ای را از شمول مقررات قانون تجارت خارج کرد.

۱۲) اسناد به اصول عملیه:

با اسناد به اصول عملیه می توان تاریخ ظاهری برای سفید تعیین کرد. مطابق اصل

1 تأخر حادث در زمان اراده قطعاً سند صادر شده است ، نسبت به ماقبل آن تردید وجود
2 دارد بنا بر این می توان زمان اراده را از زمان صدور تعیین کرد ، در نتیجه نمی توان هیچ
3 سندی را فاقد تاریخ صدور به طور کلی دانست و آن را از شمول مقررات قانون تجارت
4 خارج نمود .

5 **تاریخ پرداخت :**

6 عدم درج تاریخ پرداخت سفته را در حکم سند عند المطالبه قرار می دهد و چون امکان تنظیم
7 سفته به صورت سند عند المطالبه پیش نیز شده چنین سفته ای ناخص نیست .
8 **مبلغ :**

9 در فرم چاپی سفته سقف تعیین شده است ، بنا بر این در صورتی که صادر کننده ، مبلغی را
10 تعیین نکرده باشد تعهد تا سقف تعیین شده مفروض است مگر آنکه کمتر از آن درج شود .
11 در نتیجه عدم درج مبلغ ، نیز پیش تا سقف سفته است .

12 **تعیین دارنده :**

13 سفته برخلاف برات می تواند در وجه حامل صادر شود . بنابراین سفته بدون درج شخص
14 معین بعنوان دارنده یا به حواله گرد صادر شده باشد در حکم وجه حامل است ، چون هر
15 دارنده ای می تواند ذی حق محسوب شود ، بنا بر این عدم درج مشخصات دارنده موجب نقص
16 سند نیست .

17 **تأثیر سقف تعیین شده تعهد در سفته :**

18 نسبت به درج مبلغ مازاد بر سقف تعهد در سفته ۲ نظر می توان طرح نمود :
19 (۱) عدم لزوم تنظیم سفته در فرم چاپی خاص :

20 مانول تجارت به عنوان مانول ماهوی راجع به سفته ، لزوم تنظیم سفته در فرم چاپی خاص
21 را پیش نیز نکرده است ، لذا هیچانی در بزرگه های عاریه مشخصات سفته درج شود ، سفته به
22 حکم آید .

23 از سوی دیگر مطابق مقررات بانکی سفته جزء اوراق بهادار است و باید وجهی در قبال استفاده از
24 سفته به حکم خزانه دارین گردد که در قالب اقباع فرم خاص انجام می گیرد .
25 نتیجاً آنکه اگر سفته در خارج از فرم خاص تنظیم شود ، مراجع دولتی و اداری و قضایی ملغف

1 این مبلغ مقوم شده می قانونی را از ارائه کننده، چنین سندی به نفع خواننده دریافت کننده در این
2 صورت حذف قانون نذار تا من در گردد و بنا بر این فرم خاص هایی تأسیس در صورت در بطن
3 یا قفوز آن نذارده.

4 عدم رعایت سقف مبلغ سفته اگر به معنای عدم پرداخت مبلغ قانونی در تهیه می فرم خاص باشد
5 می توان با جبران آن در هنگام ارائه به حذف پیش بینی شده رسیده، بنا بر این چنین سفته این معیار
6 است و دلیل بر مخالفت با آن نیست.

7 (۲) وجود دو مبلغ:

8 مطابق ماده ۲۲۵ قانون تجارت در صورت وجود دو مبلغ به حروف در برابر مبلغ کمتر
9 ملاک اعتبار است و در صورت درج یک با حروف و دیگری با رقم مبلغ با حروف معتبر است
10 مگر این سقف مبلغ سفته از مقام عرض مبلغ سفته احتساب گردد درج مبلغ مخالف با آن
11 مشمول حکم ماده ۲۲۵ خواهد بود بنا بر این مبلغ کمتر ملاک اعتبار است.

12 بنا بر این تا سقف مبلغ به عنوان مبلغ سفته معتبر است (مطابق تعهد براتی) و نسبت به مازاد
13 سفته اعتباری ندارد ولی در رابطه می خصوص بین صادر کننده و دارنده خلاف آن قابل اثبات
14 است.

15 **چک:**
16 نوشته این است که به موجب آن شخص وجه خود را نزد بانک محال علیه کلاً یا جزواً مسترد یا در انداز
17 می کند.

18 **چند نکته:**
19 ۱- چک را به خلاف برات در سفته سندند است. این یک نوع بومی یادداشت یا نوشته گفته اند
20 چون صرفاً وسیله پرداخت است و بیان کننده می تعهد نیست.

21 ۲- موضوع چک وجه خاص است به تعبیر دیگر دارایی محل خاص است. موضوع آن وجه است که
22 نزد بانک محال علیه است نه هر وجهی از صادر کننده، به عبارت دیگر موضوع اصلی چک دارایی
23 خاص صادر کننده نزد بانک است (محل) و طلب دارایی صادر کننده موضوع اصلی چک نیست، اگر
24 چه در فرض تخلف امکان مطالبه آن از سایر دارایی های صادر وجود دارد.

- ۱ ۳- ماهیت یک دستور پرداخت است بنابراین بحال علی برات هر یک محسوب نشده و
- ۲ اقسامات قبول بانکول در مورد بانک مطرح نمی باشد.
- ۳- بر خلاف برات و سفته صادر کننده می تواند خود را به عنوان دارنده مطرح نماید و باید تعبیر دین
- ۴ دستور پرداخت به خود را صادر کند (استمدار).

ماهیت یک :

- ۵ در خصوص ماهیت یک در تبیین برات می توان گفت با حذف این دارنده از سند برات و باقی
- ۶ ماندن برات گش و برات هر یک ماهیت یک نمایان می گردد چون اصولاً یک نوشته اصد در جهت
- ۸ استمدار در نزد محال علیه است و چنانچه شخص ثالث (دارنده) و انداز شود معروض دارنده
- ۹ به پای صادر کننده می باشد.

برای نقض بانک و جایگاه حقوق آن در یک :

- ۱۱ اگر چه در ظاهر بانک شبه برات گش در برات است ولی بر خلاف برات که رابطه اصلی بین برات
- ۱۲ گش و دارنده شکل می گیرد و برات گش صرفاً در ضمن قبول مسئول پرداخت است در یک صادر
- ۱۳ کننده دستور پرداخت داده و بانک در صورت تأمین محل (نقد یا اعتبار) بایستی پرداخت نماید
- ۱۴ و طرف مستقیم یک نسبت به هر فقره یک محسوب نمی گردد.

- ۱۵ به عبارت دیگر به تقاضای یک فقره از یک مشتری بزرگ قرارداد (حساب جاری) منع مشتری و
- ۱۶ بانک صادر می شود ولی عملیات صدور نسبت به هر فقره یک اقباع و محل حقوق یک جانب
- ۱۷ می باشد. در مقابل شاید بر اساس قرارداد حساب جاری بانک را به عنوان قبول کننده
- ۱۸ نسبت به کلی فقرات یک واکذار کرده به صاحب حساب تکمیل نام و اعطای دلالت یک را
- ۱۹ به منزله قبول پیش از ایجاد نسبت به کلی فقرات محسوب کنیم که در این صورت صدور یک
- ۲۰ یک محل دو جانب و قرارداد از بین صاحب حساب و بانک اعتبار می گردد.

نقشه بحث :

- ۲۲ عمده بحث در امکان عدم پرداخت یک علی الرغم وجود محل نزد بانک به فرض اعطای غیر قانونی
- ۲۳ دست یک می باشد.
- ۲۴ به این صورت : در فرضی که کارمند بانک بر خلاف مقررات به صاحب حساب دست یک داده
- ۲۵ باشد آیا بانک می تواند با استناد به این تخلف از پرداخت وجه سر باز زند

یا خبری نیست به جایگاه بانک در رابطه حساب جاری باید بماهیت این حساب پرداخت
مطابق قانون، صاحب حساب، وجوهی را نزد بانک دارد ولی معنی سنت رابطه بین صاحب
حساب و بانک آیا رابطه و دین، عاریه یا قرض است.

در ظاهر وجود نزد بانک هم میان متعلق به صاحب حساب است بنابراین باید در قالب عقد
و دین احکام آن بهیچ وجه در فرض که انتفاع از وجه نقد تصور باشد این رابطه نیز عاریه
نیز تفسیر گردد؛ ولی در مواردی که سبب دردهای اشخاص نزد بانک به طور کلی تحت
در عنوان سرفایه گذاری یا قرض الحسنه تبیین شده است.

نکته:

و دین امانت بسیاری است یعنی مالیت را به وجه امانت نزد بانک میسپارد.
در خصوص حساب جاری در حقوق ایران ماهیت آن قرض الحسنه عنوان شده است، البته
بر خلاف قرض الحسنه که مستقر قرض به مستقر قرض می کند در حساب جاری مقروض به بانک (مستقر قرض)
مراجعه کرده است.

دلیل انتخاب این ماهیت بانک وجوهی است که در آن است بنابراین حساب
حساب وجوه را به بانک تسلیم کرده و بانک تعهد به پرداخت شش عندالمطالبه نموده است. بنابراین
بانک صرفاً عندالمطالبه وجوهی را که قرض گرفته است مسترد می دارد حال یا به قرض رهنده یا به حواله
گردد ادب دارنده هیچ؛ در این صورت بانک هیچ مسئولیت اضافی در قبال تأمین محل چک ندارد.
با توجه به ماده ۱ قانون صدور چک باید گفت این حکم صرفاً حکم عادی را شامل نمی شود و در خصوص
سایر انواع چک کامل نیست به خصوص آنچنانکه است بانک در انواع چک ها بر انگیزه حساب
نشده و حق کسب ندارد.

نکته:

صدور گواهی عدم پرداخت از سوی بانک به معنای کسب نموده و بنابراین مشمول مقررات مسئولیت
تضامینی و اعتراض عدم پرداخت نمیگردد و احکام خاص دارد.

شرایط تطبیق حک (ارکان حک):

حک علاوه بر امضاء باید حارس تاریخ، مبلغ و مشخصات گیرنده باشد، بنابراین عناصر حک عبارتند از:

۱- امین جهت از حک امضاء صادر کننده است. به خلاف برات و سفته که با هر امکان صادر است.
۲- حک یا صرف امضاء صادر می‌گردد.

۳- تاریخ:
۴- در حک به خلاف سفته و برات تنها یک تاریخ وجود دارد چون اصولاً حک روز نقدی محسوب شده و تعهد به پرداخت نیست. بنابراین تاریخ حک تاریخ صدور آن است.

۵- اشکال:
۶- اشکال عمدتاً در خصوص تاریخ حک، درج تاریخ مؤخر است و ایند آیا باید به تاریخ هجری حک توجه نمود و یا به واقعیت صدور و وجود حک در دست دارند. قبل از تاریخ مندرج؟

۷- تاریخ:
۸- تا سال ۸۲ (آخرین اصلاح قانون صدور حک) بن عرف بخاری و بانگوا از یک سوی و محمدی و عیون دانان از سوی دیگر اختلاف وجود داشت. بنی و ایند آیا باید بر سندی تراخی طرفین به تاریخ مندرج و مؤخر توجه نمود و یا ایند مطابق ماهیت حک و اراده قانونگذار در سینه صرفاً تاریخ صدور، به تاریخ مؤخر توجه نگردد. رعیند الطالم بانک را مسئول پرداخت محل دانست.

۹- در سال ۸۲ قانونگذار به تاریخ مندرج و جاهت قانونی تجسد و مطابق ماده ۳ اصلاحیه، صادر کننده باید در تاریخ مندرج در حک وجه آن را نزد بانک تأمین کند.
۱۰- در این اقدام قانونگذار آقودت قفسه اراده کرده است.

۱۱- تا سنج قانونگذار از جایگاه این تاریخ و استفاده از آن به عنوان تاریخ سررسید و منبر نزل کردن ماهیت حک و تدافن آن با سفته (سفته سند تعهد و حک سند پرداخت محسوب می‌گردد).
۱۲- در محتاب بر فرض ماده ۳ اصلاحیه را چنین تفسیر کرده اند:

۱۳- تاریخ صدور می‌تواند واقعاً یا اعتباری باشد، جنباتی حرامین تاریخ واقعاً زمان صدور سند را ملاک قرار دهند، تاریخ مطابق با واقع خواهد بود و جنباتی صدور سند را برای تاریخ در آورنده اعتبار کنند و این اعتبار قابل نیز پیش قانونگذار خواهد بود علی‌الاصول (و این در سند

۱. رسیدن آن به دست در تاریخ مندرج صادر شده محسوب می گردد.
۲. این ۲ تقسیم در امکان آراء می یک قبل از تاریخ مندرج مشخص می گردد.
۳. بنا بر تقسیم اول قانون نزار به درج تاریخ موخر به طور مطلق اعتبار داده است و لذا قبل از تاریخ
۴. مندرج یک صادر شده محسوب ولی قابل مطالبه نیست و می توان به چنین سندی در روابط حقوق
۵. استناد نمود.

۶. اما مطابق تقسیم دوم صادره که تاریخ مندرج نیز سیده است یک معتبر نبوده و مانند عقد معلقه و قبل از
۷. حصول مطلق علم بلا اثر است.
۸. [عقد معلقه مثل انظر خانه ام را فرستم اگر وام مبلغ بلذیع، بین ارقام بلذیع خانه ام فرستم سیده نیست ولی
۹. اگر وام فرستم خانه ام فرستم سیده است از همان زمانی که لغتم نه از زمان گرفتن وام.]

۱۰. مبلغ :
۱۱. در خصوص مبلغ یک چون موضوع دستور پرداخت بوده باید در زمان ارائه وجود داشته باشد ولی همچنان که
۱۲. قبل لغتم شد صادر شد بعد از انشاء صادره که در هنگام ارائه تکلیف شده باشد اشکالی ندارد و بنا بر این
۱۳. در هنگام ارائه یک به بانک و یا در فرض صدور تراوان عدم پرداخت به مسئولین باید مبلغ آن معین باشد.
۱۴. مشخصات دارنده :

۱۵. با توجه به امکان صدور یک در وجه حامل در فرض عدم تعیین دارنده یک در حکم وجه حامل است و هر گاه
۱۶. می تواند دارنده آن محسوب گردد.

۱۷. **قانون صدور یک : ماده ۱ انواع یک**
۱۸. یک عادی : کلی که شخص به عهده یا بنا بر صادر و تقسیم برابر پرداخت آن به جز اعتبار فقط صادر شده
۱۹. وجود ندارد. یک عادی مخصوص تجار است.

۲۰. یک تقسیم (چاپین بانک) : بانک ها صادر می کنند و پرداخت آن در همان بانک یا شعب آن انجام
۲۱. می شود.

۲۲. یک تأیید شده : کلی که شخص به عهده می آید در بنا بر صادر و بانک پرداخت آن را تأیید می کند.
۲۳. تأیید در یک های تأیید شده به معنای اعتبار رسمی مشتری این غیر تاجر توسط بانک یا موسسات
۲۴. فقط به درخواست بانک است که در آمد، عایدات و دارایی به عنوان وثیقه بانک و از این
۲۵. حساب شخصی می گذرا مورد ارزیابی خواری دهد و به میزان کل و یا بخشی از اعتبار عند فقره

- 1 حک سالانه در اعتبار شخص قرار می دهند که سقف مبلغ در آن تعیین شده است . مجموع مبالغ تعیین شده سقف اعتبار نامیده می باشد ، بنا بر این بانک تضمین نسبت به پرداخت این اسناد نموده و صرفاً در حدود اعتبار شخص پرداخت آن را تأیید می کند .
- 2 همین حک هایی از محل اعتبار پرداخت می رود و بانک در صورت پرداخت از محل اعتبار بنا بر تراز داد و ستد منتهی نسبت به نقد نمودن آن از کارفرما محل وثیقه و یا قالب تسهیلات (وام) استفاده می کند .
- 3 بنا بر این حجم صدور حک با محل در این نوع حک موضوعاً متغیر است و تنها بخارج بارهای صدور حک هایی عادی امکان دارد حک با محل صادر نمایند .
- 4 حک مسافرتی : یک نوع حک تضمین است که بانها صادر و پرداخت آن در حکم شعب یا سایر بانکها و مؤسسات امکان دارد .

نتیجه :

- 11 اگر کسی به نمایندگی یک صادرکننده مسئولیت تضمین دارد ، یعنی هم می توان به نمایندگی اجماع کرد و هم به صاحب حساب و مسئولیت کفتری با صادرکننده است ، اگر کسی نمایندگی خود حق توکل داشته باشد (یعنی خودش نمایندگی داشته) مسئولیت را کسی دارد که نمایندگی مستقیم صاحب حساب است و مسئولیت کفتری هم با او است
- 12 مگر اینم ثابت کند عدم پرداخت نتیجه عمل نمایندگی بعدی است .